

غزل شماره ۸۸

شنیده‌ام سخنِ خوش که پیرکنان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

حدیثِ هولِ قیامت که گفت واعظِ شهر
کنایتست که از روزگار بجران گفت

شانِ یارِ سفرکرده از که پرسم باز
که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت

فغان که آن مه نامهربانِ مهر کسل
به ترکِ صحبت یاران خود چه آسان گفت

من و مقامِ رضا بعد از این و شکرِ رقیب
که دل به درد تو خو کرد و ترکِ درمان گفت

غمِ کهن به میِ سا نخورده دفع کند
که تخمِ خوشدلی این است پیرِ دهمقان گفت

کره به بادِ مزینِ گرچه بر مراد رود
که این سخن به مثلِ باد با سلیمان گفت

به مهلتی که سپرت دهد ز راه مرو
تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت؟

مزن ز چون و چرا دم که بنده مُقبل
قبول کرد به جان هر سخن که جانان گفت

که گفت حافظ از اندیشه تو آمد باز؟
من این نگفتم آن کس که گفت بهتان گفت

تفسیر فال

تهمت‌ی به شما زده‌اند که ریشه‌اش از جانب دشمنان است. این اتهام ناعادلانه به طور حتم بار سنگینی بر دوش شما گذاشته و درد و رنج هجر و جدایی بزرگی را به همراه دارد که تحمل آن آسان نیست. با این حال، در چنین شرایطی، باید تسلیم رضای خداوند باشید و به حکمت او ایمان بیاورید. مطمئن باشید که پاداش خوبی‌ها و اعمال نیکوئی که در زندگی خود انجام داده‌اید، در جایی دیگر نصیب شما خواهد شد. همچنین لازم است توجه داشته باشید که نباید سخنان خود را بر اساس فرضیات نادرست یا شک‌های بی‌مورد بیان کنید؛ زیرا ممکن است این گفته‌ها علیه خودتان مورد استفاده قرار گیرد و عواقب ناخوشایندی به دنبال داشته باشد. بنابراین، بذر خوبی بکارید تا بتوانید شاهد رویش ثمرات خوب و بهترین‌ها در زندگی‌تان باشید؛ زیرا هر عمل نیکو می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر برای شما رقم بزند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)